

درآمدی بر تاثیر تصوف بر معماری ایران با رویکرد تاریخ فرهنگی^۱

محمد یعقوبلو^۲: دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران

m.yaghoublou@gmail.com

احد نژاد ابراهیمی: دانشیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران

ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

چکیده

جریان تصوف از فراگیرترین جریان‌های فکری تاریخ ایران است که تاثیر فراوانی بر هنر و معماری داشته است. این جریان فکری از سده‌ی دوم آغاز شده و در سده‌های چهارم و پنجم، تشکیلات خانقاهی به خود گرفت. در قرن هفتم و با هجوم مغول‌ها، خانقاه‌ها تبدیل به پناهگاه‌های روحی و مادی مردم شد؛ و بعد از آن، جریان تصوف به اوج مقبولیت و نفوذ خود بین عوام و خواص جامعه از درباریان تا مردم رسید و این روند تا آنجا پیش رفت که زمینه ساز تشکیل حکومت صفویه شد. بررسی رابطه تصوف و معماری با رویکردهای مختلفی بررسی شده است اما رویکرد تاریخ فرهنگی این امکان را به تحقیق می‌دهد که این ارتباط به صورت واقع‌گرایانه بررسی شود و با استفاده از شواهد تاریخی از هرگونه افراط و انحراف به دور باشد. حال سوال اینست تاثیر جریان فکری تصوف بر معماری ایران چگونه بوده است و چه نوع بناهای معماری را شکل داده است؟ پژوهش از نوع تحقیق‌های نظری می‌باشد که با روش تاریخی-تفسیری پژوهش شده است و چارچوب اصلی در قالب مطالعات فرهنگی و در ذیل آن تاریخ فرهنگی و از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای تصوف و تاریخ معماری می‌باشد. با این روش نتیجه تحقیق بدین شرح است که تفکرات صوفیانه، رفتار و ارزش‌های آن‌ها باعث شکل‌گیری کلیات کالبدی معماری می‌شود. کاربری این بناها در طول تاریخ در هم تنیده بوده است. با توجه به بناهای باقی مانده و منابع موجود می‌توان کالبدی معماری صوفیان را در دو دسته تک بناها، شامل خانقاه‌ها و آرامگاه‌ها؛ و دسته دوم، بناهای مجموعه‌ای دسته‌بندی کرد.

واژگان کلیدی: تصوف و معماری- تاریخ فرهنگی- آرامگاه- خانقاه- بناهای مجموعه‌ای

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمد یعقوبلو با راهنمایی آقای دکتر نژاد ابراهیمی با عنوان "کارست هندسه جهت تقدس بخشی مساجد دوره ترکمانان و رهیافت آن در مساجد معاصر" می‌باشد.

۲- نویسنده مسئول

مقدمه

در سده‌های ۴ الی ۱۰ هجری قمری ایران، یکی از جریان‌های قدرتمند و مؤثر در فرهنگ و اجتماع و همچنین هنر، جریان تصوف بوده است. این زمان نیمی از تاریخ ایران اسلامی را در طول ۱۴ قرن تشکیل می‌دهد اما امروزه در مطالعات هنر و معماری مغفول مانده است. این جریان تصوف بوده که در شهرها و روستا به وسیله تعلیمات شیوخ خانقاه‌ها، تفکر عرفانی و صوفی در تار و پود جامعه در سده‌های مختلف رسوخ کرده و به تبع آن توسط صنعت‌گران این مباحث وارد هنر و معماری شده است. جریان‌های عرفانی و صوفی زیادی تحت عناوین و سلسله‌های مختلف شکل گرفته‌اند اما در تحقیقات معاصر به این گوناگونی و تفاوت سلسله‌ها که بعضاً با یکدیگر در تضاد بوده‌اند توجه نمی‌شود. با بررسی سده‌های مذکور و بناهای ساخته‌شده و مقایسه آن با دیگر سده‌ها می‌توان تولید و ظهور بناهای جدیدی را در این دوره‌ی زمانی مشاهده کرد. مبدأ وجودی و شکل‌گیری این بناها، ریشه در این جریان فکری همچون خانقاه‌ها، زاویه‌ها و گوشه‌ها داشته است. در ابتدای امر در بعضی از رباط‌ها یا مدارس فعالیت خانقاهی انجام می‌شده و به مرور این بناها دچار تغییر کاربری به خانقاه شده‌اند. در بعضی از موارد خانقاه کوچکی ساخته می‌شد و بعد از مرگ شیخ آن خانقاه، تبدیل به آرامگاه وی می‌شد مانند آرامگاه و خانقاه شیخ شهاب‌الدین اهری؛ و دوره‌های بعدی این آرامگاه گسترش یافته و تبدیل به بنای مجموعه‌ای - آرامگاهی خانقاهی می‌شد همچون مجموعه‌ی آرامگاهی - خانقاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی. کاربری کالبدی صوفیان در هم تنیده است و در ادوار تاریخ دچار تغییر و تحول‌های بسیاری شده است و به دلیل از بین رفتن غالب این نوع بناها امکان مطالعه دقیق‌تری نیست.

بیان مسئله

معماری محصول فرهنگ یک جامعه است و با توجه به غالب بودن جریان تصوف در قرون متمادی در ایران اسلامی، این سوال پیش می‌آید که تاثیر جریان فکری تصوف بر معماری ایران چگونه بوده است و چه نوع بناهای معماری را شکل داده است؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

عرفان و تصوف از مباحث نظری‌ای هستند که ارتباط تنگاتنگی با هنر و معماری تاریخ ایران داشته‌اند و در زمینه یافتن این ارتباط، تحقیقات مختلفی انجام شده است. اما این تحقیقات به سیر تاریخی و تفاوت‌های گرایش‌های مختلف تصوف و عرفان توجه نکرده و دسته‌بندی سلسله‌ها و گرایش فکری آن‌ها در نظر نگرفته‌اند و عرفان و تصوف را یک کل واحد در طول تاریخ در نظر گرفته‌اند و نتایج این تحقیقات بعضاً دچار عدم واقع‌نگری شده است. اما تحقیق حاضر با استفاده از رویکردی نو به این موضوع پرداخته است که مانع از به حاشیه رفتن و بیان مطالب غیر واقع می‌شود و به روشن شدن دقیق‌تر ارتباط بین تصوف و معماری با کمک استدلال‌های محکم تاریخی می‌پردازد.

سابقه موضوع

تأثیر تصوف بر هنر و معماری در آرای اندیشمندان سنت‌گرا با رویکرد عرفانی بررسی شده است؛ کتاب حس وحدت (۱۳۵۰) نوشته نادر اردلان و لاله بختیار به بررسی نقش تصوف بر معماری پرداخته، همچنین کتاب هنر و معنویت اسلامی (۱۹۸۳) نوشته سید حسین نصر و کتاب هنر مقدس بورکهارت به بررسی نقش عرفان در هنر اسلامی پرداخته‌اند. اما در بررسی‌ها با رویکرد تاریخ معماری مقاله‌ی معماری گمشده، خانقاه در خراسان سده پنجم نوشته مهرداد قیومی بیدهندی و مقاله بازتاب سیر مواجهه با تصوف نعمت‌اللهی در معماری مجموعه خانقاهی - آرامگاهی شاه ولی تفت از کریم مردمی و محسن دهقانی تفتی می‌توان نام برد که به بررسی ارتباط تصوف و معماری پرداخته‌اند.

روش تحقیق

پژوهش زیر از نوع تحقیق‌های نظری می‌باشد که با روش تاریخی - تفسیری پژوهش شده است و چارچوب اصلی در قالب مطالعات فرهنگی و در ذیل آن تاریخ فرهنگی می‌باشد. در ابتدا با مطالعه مختصر رویکرد پژوهش، به بررسی تاریخ تصوف پرداخته خواهد شد و سپس کالبدی‌های متأثر از این جریان فکری بازخوانی خواهد شد.

رویکرد تاریخ فرهنگی

در مطالعات معمول تاریخ معماری ایران، آن اندازه که به آثار معماری توجه می‌شود به اعمال مرتبط با معماری توجه نمی‌شود. مورخان فرهنگی بیشتر از اینکه به مطالعه پدیده‌ها بپردازند، به اعمالی که آن پدیده را شکل داده است می‌پردازند. بنا براین، فایده دیگر تاریخ فرهنگی معماری توجه به چنین جنبه‌هایی در تاریخ معماری است؛ «رویکرد تاریخ فرهنگی در معماری به ما کمک می‌کند که با تمامیت معماری، با همه ویژگی‌ها و پیوندهای انسانی‌اش مواجه شویم. تاریخ فرهنگی معماری به ما کمک می‌کند که در صورت اثر نمانیم؛ بلکه صورت اثر را از آن رو مطالعه کنیم که مظهری از امری انسانی در ورای آن است. این رویکرد به ما امکان می‌دهد تا معماری را بر پایه باورها، رفتارها، عادت‌ها و در یک کلام فرهنگ انسان ایرانی بشناسیم.

تاریخ فرهنگی معماری نگاهی است ریزبینانه به معماری برای شناخت مفاهیمی که در آن مستتر است. در این رویکرد تلاش بر این است که تحولات رخ داده در معماری، از دریچه نگاه مردمان زمانه همان معماری درک شود. پرداختی به تاریخ معماری بدون این نگاه، به معنای حذف انسان‌هایی است که بنا بر پایه بینش و زندگی‌شان شکل گرفته است.» (قیومی بیدهندی ۱۳۹۲، ۹۰) فرهنگ مورد نظر تحقیق در قرون متمادی ایران، فرهنگ تصوف است و با این رویکرد در پی یافتن تاثیر این زمینه فرهنگی قوی بر معماری می‌باشد. تعداد بسیاری از محققان و متخصصان معماری در تلاش یافتن ارتباط بین هنر و معماری شکل‌گرفته در هر دوره با عرفان نظری آن دوره هستند و مطالبی در جهت تائید این موضوع بیان می‌کنند اما برای آن‌ها سندی یا استدلالی ارائه نمی‌کنند؛ اما در واقع بر اساس مطالعات فرهنگی و یا تاریخ اجتماعی غالب هنرمندان و صنعت‌گران دوره‌های مختلف متخصص عرفان نظری نبوده‌اند و این افراد در زمره افراد عام قرار می‌گرفته‌اند.

قیومی بیدهندی در مقاله خود آورده است: «شأن هنر اسلامی شأنی عملی و اجتماعی است و هنرمندان مسلمان نوعاً در زمره عوام بوده‌اند نه اعیان و فرهیختگان. از سوی دیگر، عرفانی که در جامعه اسلامی نقش داشته است، عرفان عملی و از طریق سازوکارهای اجتماعی بوده است، سازوکارهایی از قبیل نظام خانقاه و حلقه‌های اهل فتوت. بدین طریق، آموزه‌های اصلی عرفان اسلامی از دو راه در هنرمندان و کار ایشان نفوذ می‌کرد: یکی سلوک فردی و حلول دادن ذکر

مدام در احوال و اعمال، دیگری سازوکارهایی اجتماعی چون حلقه‌های فتیان و نظام اصناف، «(قیومی بیدهدنی ۱۳۸۹، ۱۷۵)، صنعتگران با شرکت در جلسات و عظم شیوخ خانقاه‌ها، با تعلیمات و تفکرات شیوخ متصوفه آشنا می‌شده‌اند و از این طریق مباحث نظری به هنر و صناعات منتقل می‌شده است.

تاریخ صوفیه

زهد و عزلت‌گرینی در دین اسلام نیز همچون دیگر ادیان از سده دوم شروع شد و در بعضی از مکان‌های ممالک اسلامی اولین اجتماعات صوفیه که تعداد آن‌ها بیشتر از صد نفر نمی‌شد شکل گرفت و این جمع‌ها پیرامون شیوخ خود در خانه شیخ و یا مساجد شکل می‌گرفت که از جمله می‌توان به «حلقه یاران جنید در بغداد و شاگردان تستری در بصره اشاره کرد. در همین ایام، در سرزمین‌های شرقی قلمرو اسلام نیز جماعت‌هایی از صوفیان در حال شکل‌گیری بود؛ از جمله در شیراز که گفته می‌شود تعداد مریدان ابن خفیف (د. ۳۷۱ ق) در آنجا به هزاران تن می‌رسید.» (دیلمی ۱۹۵۵، ۲۲۵) در دوره سلجوقیان (نیمه قرن پنجم تا اواخر ششم هجری) و با تأسیس مدرسه نظامیه دوران تعصب دینی به وجود آمد که صوفیان کوشیدند تا این فضای دینی را تعدیل کنند و علاقه‌مندانی را به خود جذب کردند. فاصله زمانی نیمه قرن ششم هجری تا حمله مغول در اوایل قرن هفتم (۶۱۶ هـ) به دلیل ضعف دولت سلجوقی و آشفتگی‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی زمینه رغبت برای عموم مردم به تصوف بود. با آغاز قرن هفتم و هجوم اردوی مغول به ایران (۶۱۶ هـ) نه تنها نقطه عطفی در تاریخ ایران و اسلام، بلکه فصل مهمی نیز از تاریخ تصوف رقم‌زده شد.

جریان تصوف جزایر آرامی برای مردم مصیبت دیده بود. با توجه به ویرانی‌های جنگ و سختی‌ها و دردها و آلام عموم مردم خانقاه و تصوف، مأمن و پناهگاه مردم دردکشیده شد و «سلسله‌های صوفیه خانقاه‌های مشایخ و لنگرهای اهل فتوت به قدری متعدد و پراکنده بود که این بطول‌طه سیاح مغربی، که در قسمتی از این ایام از غرب تا شرق قلمرو مغولان را طی کرد، در کمتر جایی به این‌گونه مجامع صوفیه برخورد نکرد.» (اشراقی، جدیدی، ۱۳۸۵، ۳۸) بدین صورت تصوف در همه ارکان اجتماعی و فرهنگی ایران در قرون چهارم تا اواسط دهم رسوخ کرده و تأثیرگذارترین جریان فکری دینی، فلسفی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این دوره‌ها بوده است که حتی سلاطین دوران، مشروعیت خود را در قبال ارتباط با خانقاه و کمک و خدمت به این تشکیلات می‌یافتند و از منظر فکری و اعتقادی نیز پیرو این تفکر بودند.

تأثیر تصوف بر معماری

یکی از بارزترین عرصه‌های ظهور و رشد تصوف مربوط به معماری خانقاه‌ها، آرامگاه‌ها و بناهای مجموعه‌ای است. مساجد و مقابر بیشترین و مهم‌ترین حجم بناهای بازمانده از معماری اسلامی در ایران را به خود اختصاص داده‌اند مقابر مشایخ و بزرگان صوفیه، گونه‌ای از معماری دوران اسلامی است که معمولاً به وسیله مریدان در داخل خود خانقاه شیخ و با خصوصیات ویژه خود ساخته می‌شده‌اند. لازم به یادآوری است که کثرت فرقه‌های متصوفه در دوره ایلخانی، تیموری و ترکمانان بر جریان‌های تاریخی و فرهنگی و از جمله معماری اسلامی تأثیری چشم‌گیر داشته است، از مهم‌ترین ویژگی‌های تصوف این دوره ظهور علائق شیعی در مشایخ صوفیه و رواج سلسله‌های صوفیه شیعی و اقتدار و نفوذ علماء و عرفای شیعی مذهب است.

«ظهور این‌گونه هم‌گرایی تشیع و تصوف را که در عین حال با تعالیم قرآنی و احادیث نبوی همسویی و آمیختگی دارد، می‌توان ناشی از سقوط خلافت عباسی و ضعیف شدن قدرت حکومتی و سلطه اهل تسنن و در نتیجه آزادی مردم در انتخاب مذهب و مسلک دلخواه خود دانست. از سوی دیگر سلاطین ایلخانی مغول در آذربایجان در سده‌های هفتم و هشتم هجری سهمی به سزا در ترویج عرفان و تصوف و تکریم ارباب و مشایخ صوفیه داشته‌اند. همین توجه به تصوف و تشیع در شیوه معماری بناهای حکومتی و ارگ‌های سلطنتی و نیز اماکن مذهبی و معنوی از قبیل مساجد و به ویژه خانقاه‌ها به عنوان مراکز تصوف تأثیر خود را نشان داده است.» (کیانی ۱۳۸۰، ۲۳۶) در یک دسته‌بندی کلی می‌توان بناهایی که ارتباط و تأثیر مستقیم با تصوف و صوفیان داشتند را به دو دسته تک بناها و بناهای مجموعه‌ای تقسیم کرد. تک بناها شامل آرامگاه‌ها و خانقاه‌ها به صورت منفرد می‌شوند مانند آرامگاه شیخ شهاب‌الدین اهری و بناهای مجموعه‌ای شامل چندین بنا شامل مسجد و خانقاه و مدرسه و آب‌انبار و ... می‌شوند مانند مجموعه شاه نعمت‌الله ولی ماهان و مجموعه شاه ولی تفت و یا مجموعه مظفریه تبریز.

۱-۱- تک بناها

۱-۱-۱ خانقاه

خانقاه معرب خانقاه و مرکب از خانه و گاه است؛ نظیر منزلگاه. (دهخدا ذیل «خانقاه») و در اشاره به محل اقامت و اجتماع صوفیان به کار می‌رفته است. «البته از دیرباز در مناطق مختلف و در زمان‌های متفاوت واژه‌های دیگری نیز برای اشاره به منزل زاهدان و صوفیان وجود داشته است؛ از جمله رباط، تکیه، زاویه، بقعه، لنگر، مدرسه، صومعه و دویزه. خود کلمه خانقاه نیز به چندین شکل ضبط شده است؛ نظیر خانگاه، خانگه، خانقه و حتی خوانگاه.» (کیانی ۱۳۶۹، ۵۵) نهاد خانقاه شکل تجسم‌یافته عرفان و تصوف است. این نهاد به صوفیان هویت جمعی می‌بخشد و نقش اجتماعی آنان را پررنگ‌تر می‌کند «صوفیان نخستین که بیشتر به تزکیه نفس و تربیت مریدان می‌پرداختند با تشکیل خانقاه و گسترش آن در میان توده‌های مردم حضور اجتماعی و سیاسی بیشتری می‌یابند.» (مسعودی فر ۱۳۸۹، ۱۲۷). ساختمان خانقاه‌های اولیه عمارت ویژه‌ای نبود که از ابتدا برای اجتماعات صوفیان ساخته شده باشد، بلکه مسکنی بود که شیخ و مریدانش در آن جمع می‌شدند. در این خانقاه‌ها معمولاً چندین اتاق وجود داشت و در کنار آن تالاری برای اجتماع (جماعت خانه) و نمازخواندن (مصلا)، خیلی اوقات پیش می‌آمد که همه این جماعت، خانقاه را برای سیر آفاق به مدت یک سال یا بیشتر ترک می‌کردند. توصیف بسیاری از این مراکز که در سده چهارم فعال بودند، در شرح مقامات ابوسعید ابوالخیر آمده است. «این جماعت‌های اولیه همچنین آداب و قواعد مختصرتی نسبت به دوره بعد داشتند. یکی از نخستین نمونه‌های ثبت‌شده از این قواعد، ده قاعده ابوسعید است.» (محمد بن منور ۱۳۷۶، ۳۱۶-۳۱۷)

دیوان‌ها و کتاب‌هایی که بیشتر از خانقاه گفت‌وگو کرده و صاحبان آن‌ها در نوشته‌ها و سروده‌های خود آن را بکار برده‌اند، آن‌هایی است که متصوفه و عارفان نوشته و سروده‌اند. در کتاب طبقات الصوفیه تألیف شیخ الاسلام ابواسمعیل خواجه عبدالله انصاری هروی که بعد از سال ۴۸۱ هجری قمری تألیف شده، چند جا به این کلمه برمی‌خوریم. جایی به صورت خانگاه و جایی دیگر به شکل خانقاه؛ آنجا که بحث از ابوالمظفر ترمذی می‌کند چنین می‌گوید: «شیخ الاسلام گفت: که شیخ عباس گفت مرا به شیراز بودم، پیش شیخ ابو الحسن سالبه در خانگاه که یکی درآمد ما ندانستیم و نشناختیم کی وی کیست؟» و در جای دیگر

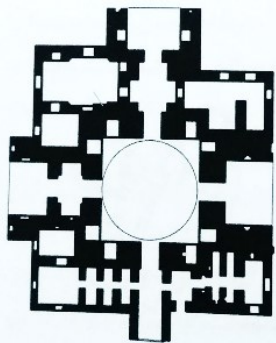
در همین بحث گوید: "عباس گفت: که شیخ مرا گفت: هر وی زود وی را به گرمابه بر، ببردم و شیخ جامه‌ی تن خویش بیرون کرد و به گرمابه فرستاد. چون فارغ شد، بیرون آمد و جامه‌ی شیخ در وی پوشیدم، آمدیم تا خانقاه. آن شب دعوت ساختند به شکوه، که شیخ‌الشیوخ ابوالحسین سال به خانه‌ی وی بسیار بوده بود." تحقیق سازمان و سازوکارها و آداب خانقاهی نیاز به مکانی داشت. این مکان نخست جایی از مسجد و مسجد اختصاصی و سپس رباط بود. رفته رفته که سازمان خانقاه قوام گرفت جای خاص خود را هم پدید آورد. بنای خانقاه بایست چنان می بود که عناصر خانقاه به نیکویی در آن بنشینند و تحقق یابد و این نیازمند ویژگی‌هایی در طرز استقرار بنا در شهر و نیز ویژگی‌هایی در درون بنا و ترکیب اجزای آن بود (قیومی بیدهندی و سلطانی، ۱۳۹۳، ۷۵). فضاهای معماری خانقاه در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: فضاهای کالبدی خانقاه

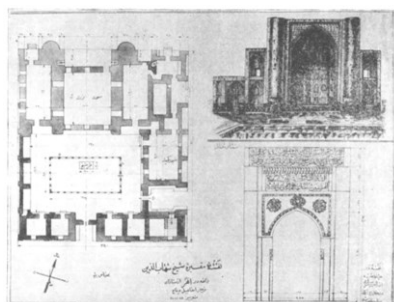
نام فضا	توضیحات
۱ درآی گاه	(دستگاه ورودی) در برخی خانقاه‌ها مفصل و در برخی ساده بود.
۲ صحن	صحن مکان روبراز خانقاه بود و جای بخش مهمی از زندگی خانقاهی. درآی گاه خانقاه معمولاً به صحن می‌انجامید.
۳ صفه	خانقاه یک صفه یا ایوان داشت. برخی از حجره‌ها و گاهی صومعه خانقاه در جوار صفه بود و در آن‌ها به صفه گشوده می‌شد. معمولاً صفه به جماعت خانه هم راه داشت، امتداد فضای جماعت خانه بود؛ فضایی بینابینی بین فضای بسته جماعت خانه و فضای باز صحن.
۴ جماعت خانه (گنبدخانه)	جماعت خانه مهم‌ترین قسمت خانقاه بود، جایی برای جمع صوفیان، چه برای اعمال فردی از عبادت و استراحت و چه اعمال جمعی. صوفیان زاویه‌های خود را در اینجا و آنجای جماعت خانه می‌گسترده و گاهی حتی زاویه شیخ خانقاه در همان‌جا بود.
۵ زاویه	زاویه و مشتقات آن، چه گستردنی، چه جایی در جماعت خانه و چه اتاقی جدا، در عمل به تملک موقت افراد درمی‌آمد و این با قطع تعلقات دنیوی در آداب صوفیان سازگار نبود از همین روست که سفارش می‌کردند زاویه‌ها اختصاص به کسی نداشته باشد تا صوفی دل در آن نیندد.
۶ صومعه	صومعه خانقاه حجره‌ای بود معمولاً به گنجایش یک نفر که جای اختصاصی عبادت و خلوت شیخ خانقاه بود.
۷ مسجدخانه	مسجدخانه نمازخانه‌ای مستقل در برخی خانقاه‌هاست. مسجدهای کوچک داخل بناهای دیگر را هم مسجدخانه می‌گفتند.
۸ حجره/خانه	هر خانقاه دارای حجره‌هایی برای صوفیان مقیم و مسافر بود که تعداد حجره‌ها به وسعت و اعتبار خانقاه بستگی داشت.
۹ بالان / دالان / رواق	بالان دهلیزی در درآی گاه بود. از تطبیق فقرات مربوط به بالان در اسرارالتوحید و دالان در مقامات زنده پیل به دست می‌شاید که این دو مترادف است و به دهلیزی کوتاه یا بلند در بین در خانقاه و صحن اطلاق می‌شود.
۱۰ بام	بام در خانقاه جایی نبود که ناگزیر و به تبع بر بالای سقف پدید آمده باشد، بلکه در زمره اجزای زنده خانقاه بود. در وقت مجالس وعظ که زنان را به خانقاه راه می‌دادند، جای ایشان همواره بر بام بود.

(منبع: نگارندگان)

از مجموعه اجزایی که برای خانقاه برشمردیم برخی از آن‌ها لازمه خانقاه بودن بنایی بود؛ یعنی اگر آن‌ها نبودند خانقاه محقق نمی‌یافت. این اجزا عبارت‌اند از صحن و جماعت خانه و صفه و چند حجره. مابقی اجزای خانقاه به اهمیت این‌ها نبود و خانقاه بودن بنا بدان‌ها بستگی نداشت (قیومی بیدهندی، سلطانی، ۱۳۹۳، ۷۹) خانقاه شیخ علاء الدوله سمنانی در ۱۲ کیلومتری جنوب غربی سمنان در صوفی آباد واقع و مدفن شیخ رکن آبادی احمد بن احمد بیابانکی (متولد ۶۵۷ یا ۶۵۹ ه ق متوفای ۷۳۶ ه ق) است. بنای آرامگاه به دستور عماد الدین (جمال الدین) عبدالوهاب وزیر سلطان محمد خدا بنده از خشت خام بنا گردیده سپس شیخ خانقاهی بر آن افزوده است. بنای آرامگاه و خانقاه این عارف، بازمانده ی معماری اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است.



تصویر ۱: پلان و تصویر خانقاه شیخ علاءالدوله سمنانی (کتاب معماری ایرانی غلامحسین معاریان، ۱۳۹۲)



تصویر ۲: پلان و تصویر خانقاه شیخ شهاب الدین اهری (Wikipedia)

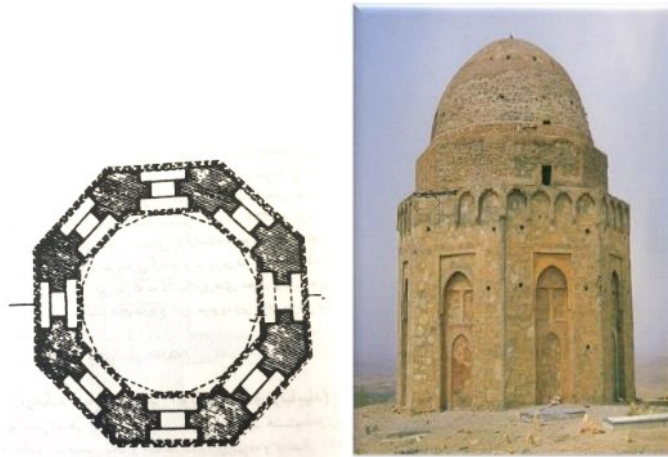
مجموعه تاریخی شیخ شهاب الدین محمود اهری در شهر اهر از بلاد آذربایجان از توابع مدینه تبریز" واقع شده است. این مجموعه معماری متشکل از چند بنا با عملکردهای متنوع، مانند مسجد، خانقاه، آرامگاه و غرفه های وابسته است که به طرز هنرمندانه ای در کنار هم جمع آمده اند

۱-۲- آرامگاه

«آرامگاه‌ها بعد از مسجد، متداول ترین نوع بنای عمومی در معماری اسلامی ایران است. این نوع بنا در بافت و فرهنگ جامعه‌ی ایرانی ریشه گرفته است.» (هیلن براند ۱۳۹۱، ۲۷۲) در یک دسته‌بندی کلی می‌توان این بنا را به دودسته مذهبی و حکومتی تقسیم کرد. مجموعه شیخ‌های صوفی و شخصیت‌های مهم شیعی برای آرامگاه‌های مذهبی؛ و آرامگاه امرای وقت در دسته حکومتی تقسیم‌بندی می‌شوند. روند شکل‌گیری آرامگاه‌ها در طول دوران اسلامی یکنواخت نبوده اما می‌توان به‌صورت منسجم ردپای این نوع کالبد را از دوران سلجوقی به بعد یافت می‌شود مانند مقبره سلطان سنجر (حدود سال ۵۸۳۱ ق) در شهر مرو. ریشه عمده شکل‌گیری آرامگاه‌های به تفکرات شیعی ایران و تفکرات تصوف بازمی‌گردد.

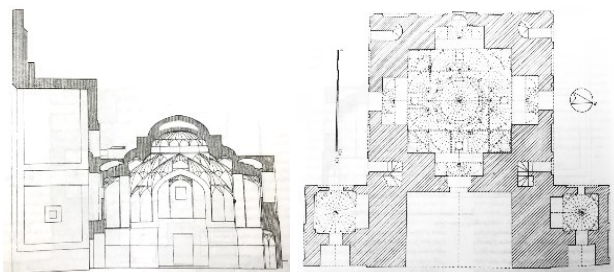
در متون تاریخی تصوف آمده است که معمولاً شیخ و پیر هر خانقاه در خانقاه خود دفن می‌شده است و بنایی بر روی آن ساخته می‌شده که جنبه‌های زیارتی، عبادی داشته است به طوری که سلمی (۴۱۲ ق) می‌نویسد: "قبر معروف کرخی برای ساکنین بغداد پناهگاه و دافع بلاها بود و از قبر او شفا و تبرک طلبیده می‌شد." به سبب چنین اعتقاداتی بر روی قبر صوفیان آرامگاهی می‌ساختند و معتقدان به زیارت آن‌ها می‌رفتند. صدرالدین موسی ۷۹۴ ه. برای پدر خود شیخ صفی‌الدین اردبیلی بقعه و بارگاهی بنا می‌کند و مدت ده سال در توسعه آن می‌کوشد. ابوعبدالله بن خفیف ۳۷۱ ه. پس از درگذشت، در رباطی که به تربیت سالکان اشتغال داشت مدفون شده و محل تربت او به‌صورت یک کانون خانقاهی تا قرن‌ها مورداستفاده سالکان و صوفیان قرار داشت. آرامگاه شیخ جنید از این نمونه بناها می‌باشد. این مقبره برجی ۸ ضلعی در دهکده توران پشت یزد در قبرستان بزرگی بالای تپه ای قرار دارد که حدود ۱۵ متر ارتفاع دارد از سنگ‌های شکسته که به سنگ بادبر معروف است، ساخته شده است. از نماسازی خاصی برخوردار است که از طاقنماهای تزیینی رو هم شکل گرفته است.

در داخل نیز دارای تزیینات طاق نماهای جناغی است. در همان قبرستان علاوه از این گنبد سه گنبد دیگر بنام های سید گل سرخ، پیرمراد و چهل دختران بنا گردیده است گنبد‌های چهل دختران و سید گل سرخ بنائی هشت ضلعی و گنبد پیرمراد شش ضلعی است. هر سه گنبد از سنگ ساخته شده است. آرامگاه شیخ جنید در سال (۵۴۳ ه. ش) بنا گردیده است



تصویر ۳: پلان و تصویر آرامگاه شیخ جنید (کتاب دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی: بناهای آرامگاهی، ۱۳۷۸)

آرامگاه شیخ زین الدین ابوبکر تابیدی از صوفیان برجسته قرن هشتم و معاصر با تیمورلنگ و حافظ شیرازی بوده است و در سال ۷۹۱ هجری وفات یافته است. تمامی سطوح نمای ایوان و طاق های حجره های طرفین آن با استفاده از کاشی نره- به شیوه معقلی- و کاشی معرق تزیین شده است. عناصر تزیینی شامل نقوش گیاهی، هندسی و کتیبه هاست.



تصویر ۵: پلان و مقطع آرامگاه شیخ زین الدین ابوبکر تابیدی (کتاب دایره المعارف بناهای تاریخی

ایران در دوره اسلامی: بناهای آرامگاهی، ۱۳۷۸)



تصویر ۴: تصویر آرامگاه شیخ زین الدین ابوبکر تابیدی (Wikipedia)

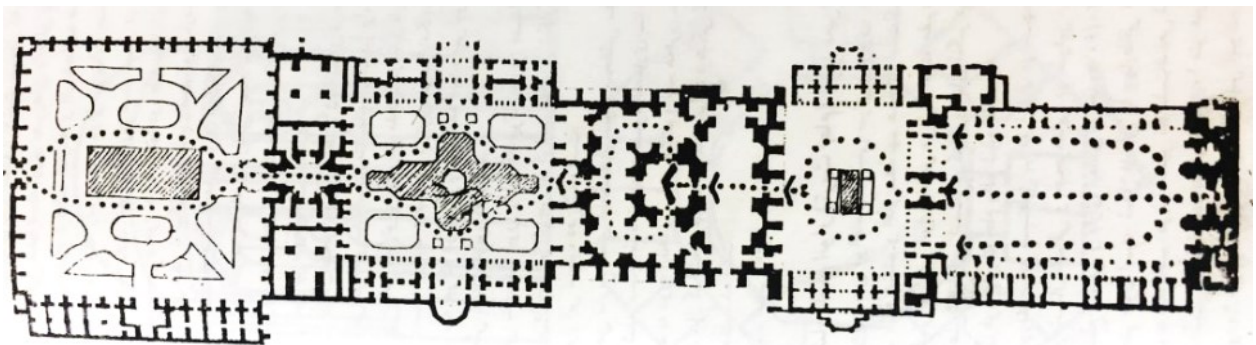
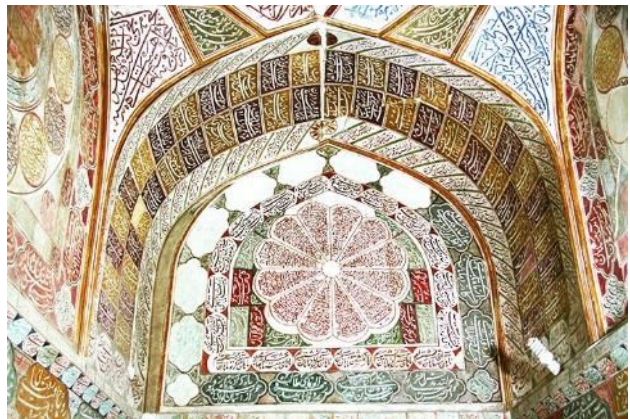
۲- بناهای مجموعه‌ای

بناهای مجموعه‌ای ارتباط تنگاتنگی با بناهای آرامگاهی دارند. با نگاه به بناهای مجموعه‌ای، غالب این بنا پیرامون مدفن به بزرگ سیاسی یا مذهبی تشکیل شده است که کاربری معمول آن‌ها به‌صورت عام‌المنفعه بوده است. تاریخ ساخت این بناها نیز همچون بناهای آرامگاهی می‌باشد و تا قبل از سلجوقی چندان

بناهای آرامگاهی موجود نبوده و رواج نداشته است. تعدادی بناها از ماقبل اسلام به صورت منفرد و شاخص دیده می‌شود که می‌توان آرامگاه کوروش دوم در استان فارس و آرامگاه امیر اسماعیل سامانی در شهر بخارا مربوط به دوره سامانی، مقبره ارسلان جاذب در سنگ بست مشهد مربوط به دوره غزنوی و گنبد قابوس در دشت گرگان در دوره آل زیار اشاره کرد. اما بناهای مجموعه‌ای را بعد از دوره سلجوقی می‌توان دید همچون مقبره سلطان سنجر در سال ۵۳۱ هجری در شهر مرو که گویا اولین الگوی ساخت بناهای مجموعه‌ای بعد از خود شده است.

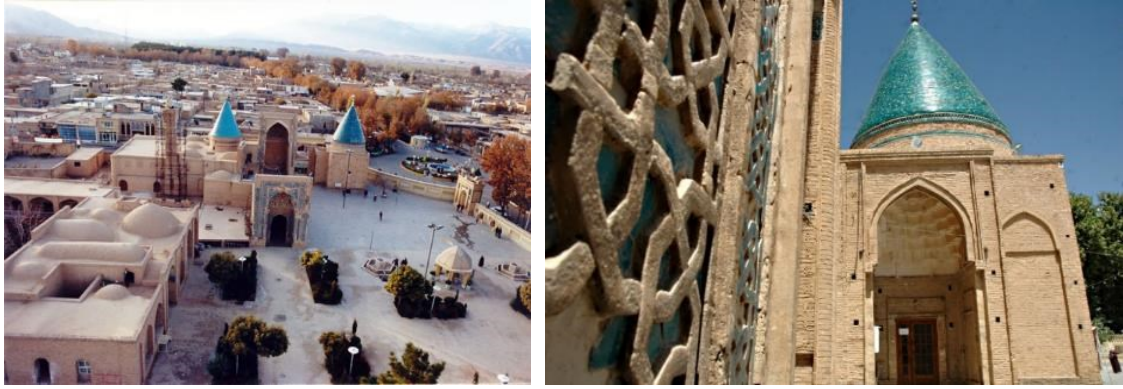
در دوره ایلخانی با گسترش تصوف، علاوه بر شاهان، شیوخ صوفی نیز وارد این روند مجموعه‌سازی شدند. که از مجموعه بناهای این دوران می‌توان از مجموعه بایزید بسطامی (متوفی ۸۷۴ هجری) در شهر بسطام شاهرود و مقبره شیخ عبدالصمد اصفهانی (متوفی ۷۱۲ هجری) نام برد. در دوره تیموریان و ترکمانان نیز همین روند ساخت بناهای مجموعه‌ای ادامه پیدا کرد که گور امیر در شهر سمرقند در دوره تیموریان است که نقشه اصلی این مجتمع به صورت در ورودی متصل به یک حیاط با یک مدرسه در شرق و خانقاهی در غرب می‌باشد ولی آنچه امروز از آن باقی مانده، مقبره و بناهای مجاور در جنوب آن است (بلمر و بلوم ۱۳۸۲، ۶۵). همچنین مجموعه مظفریه تبریز و مجموعه حسن پادشاه مربوط به دوره ترکمانان را می‌توان نام برد. از مجموعه مظفریه فقط یک مسجد به نام گوی مسجد یا مسجد کبود باقی مانده است و مابقی در طول ادوار تخریب شده است. بنا بر گزارش‌هایی که از آن عصر در دست است، بناهای دیگری در تبریز وجود داشته که حتی از مظفریه هم پرشکوه‌تر بود. از جمله مجتمع نصریه که بنای آن به فرمان اوزون حسن (حک: ۸۳-۸۵۷ هجری) آغاز شد و پسرش یعقوب (حک: ۹۶-۸۸۳ هجری) بر بنای آن افزود؛ چنان‌که مسجد، مدرسه‌ای که خود وی در آن مدفون است، آشپزخانه‌ای که به فقیران غذا می‌داد و بازار را شامل می‌شد. (بلمر و بلوم ۱۳۹۱: ۶۴) و مسجد جامع گوهرشاد و دیگر بناهای عام‌المنفعه همچون مدرسه پریزاد نیز در دوره تیموریان در حرم رضوی ساخته شد.

به وجود آمدن چنین مجموعه‌هایی ناشی از متن تفکر صوفیه بوده است که سیر تکاملی آن از دویره‌ها و رباط‌ها و در حالت متکامل خود یعنی خانقاه شروع شده و تا بناهای آرامگاهی و عام‌المنفعه پیش رفت. علل ساخت بناهای مجموعه‌ای همان علل ساخت خانقاه را داشته است یعنی مجموعه‌ای جهت انجام کمک به دیگر انسان‌ها در سطح‌های مختلف و نوع دوستی، نیکویی، احسان به مردم، رعایت برابری و برادری تفکر صوفیه بوده است. پیدایش این سیستم کالبدی لزوم فراهم آوری وسایل رفاهی و معیشتی در اویش و فقرا و حتی عامه مردم منجر به ساخت حمام، آشپزخانه، آسیاب، کاروانسرا، بازار، مسجد و ... در کنار آرامگاه یا خانقاه‌ها شد. هرچند در خیلی از این بناها از ابتدا بنا به صورت مجموعه نبوده است و پیرامون مرقد شیخ آن خانقاه و یا حتی خانقاه در طول سال‌های ساخته می‌شود. مجموعه بنای شاه نعمت الله ولی ماهان در ابتدا خانقاه بوده و بعد از مرگ شاه نعمت الله در همانجا مدفون می‌شود.



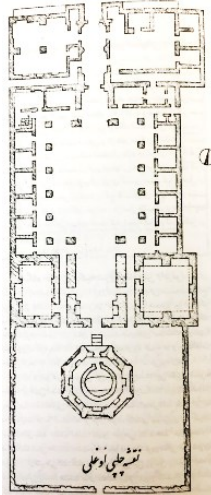
تصویر ۶: پلان و تصاویر مجموعه خانقاهی شاه نعمت الله ولی ماهان (Wikipedia، کتاب معماری ایرانی غلامحسین

مجموعه خانقاهی-آرامگاهی بایزید بسطامی واقع در شهر بسطام طی چندین قرن شکل گرفته و بخش‌هایی از آن که امروزه از بین رفته اند بنا بر شواهد و مدارک مربوط به پیش از دوره سلجوقیان است. اما از میان آنچه امروز در مجموعه دیده می‌شود بخش کوچک و پر اهمیت آن در دوره سلجوقیان ساخته شده است و در دوره تیموریان، صفویان و قاجاریان معبود بناهایی به آن اضافه و یا تعمیر شده است.



تصویر ۷: پلان مجموعه خانقاهی بایزید بسطامی (Wikipedia)

مجموعه بنا چلبی اوغلی کتیبه‌های بر جای مانده بنا سبک معماری و شیوه‌های تزئینی بکار رفته نشان می‌دهد که این بنای تاریخی متعلق به عارف بنام این زمان شیخ براق بابا از بزرگان مسلک مولویه و از خاصان دربار سلطان محمد خدابنده در دوره ایلخانی است و تاریخ احداث آن را سال ۷۲۸ هجری قمری می‌دانند. بناهای این مجموعه شامل خانقاه و ساختمان مقبره‌ی چلبی اوغلو است. بنای خانقاه، از قطعات سنگ‌های نتراشیده ساخته شده که قسمت عمده آن ویران شده است. این خانقاه در نقشه اصلی، شامل ورودی، تالارها، اطاق‌های جانبی و صحن مرکزی روبازی بوده که اطراف آن را رواق‌ها و اطاق‌های کوچکی فرا گرفته و از آن مریدان و شاگردان خانقاه بوده است. مقبره شیخ براق یا چلبی اوغلو با نقشه هشت گوش، در بخش جنوبی خانقاه و احتمالاً درون فضای محصور قرار داشته است هر چند به نظر می‌رسد این دو بنا در یک زمان ساخته نشده، اما فاصله زمانی هم نداشته‌اند و ارتفاع این بنا ۱۷ متر است.



تصویر ۸: پلان و تصویر مجموعه خانقاهی چلبی اوغلی (کتاب دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی: بناهای آرامگاهی، ۱۳۷۸)

مجموعه بنای شیخ احمد جامی با قدمتی نزدیک به ۸۰۰ سال، در شهرستان تربت جام واقع در استان خراسان رضوی است. ضلع جنوب شرقی گنبدخانه به فضایی منتهی می‌شود که در مجموعه مزار جام به «مسجد عتیق» موسوم است. گویا این بنا در گذشته مسجد جامع بوده است. به طور کلی فضای معماری مسجد عتیق با ابعاد تقریبی ۴۸۴ مترمربع شامل شبستان جرزهای آجری است. با توجه به اشاره‌ای که «دونالدن. ویلبر» به وجود تویزه‌ها بر روی ستون‌های غربی دارد، گویا در مرکز بنای گنبدی برپا بوده است. یکی از با شکوه‌ترین فضاهای معماری مجموعه مزار شیخ جام پس از گنبدخانه، بنایی است موسوم به «مسجد کرمانی» که نام خود را از سازنده محراب واقع در فضای داخلی آن اقتباس کرده است.



تصویر ۹: پلان مجموعه شیخ احمد جامی (Wikipedia)

نتیجه‌گیری

با مطالعه منابع تصوف و مقایسه آن با بناهای متأثر از آن صریحا این نتیجه حاصل می‌شود که این تفکرات، رفتار و ارزش‌های تصوفانه باعث شکل‌گیری کلیات کالبدی معماری می‌شود. رفتارهایی که برخاسته از آیین و رسوم مسلک صوفیان، نیازمند کالبدی معماری بوده و در قالب خانقاه‌ها شکل گرفته است. ارزش‌های آنان نیز همچون تکریم شیخ خانقاه بعد از مرگ وی نیز باعث شکل‌گیری بناهای آرامگاهی شده است. رفتارهایی که این فضاها را تشکیل داده اند بعضا فرقه به فرقه متفاوت است. مانند رقص سماع که در فرقه نعمت‌اللهیه حذف شده است و در دیگر فرقه‌ها ادامه دار است؛ و نمی‌توان یک قاعده کلی برای سبک‌های معماری خانقاه‌ها ارائه کرد.

تفکرات کلی متصوفه بر خدمت‌رسانی به مردم بوده است. مخاطب بناهای صوفی سه دسته بودند، مردمی رهگذر، مردمی مقیم شهر و مردمی که درون خانقاه از اعضای خانقاه بودند. به تبع برای خدمت‌رسانی به اینها نیاز به فضاهای مختلف بود که تبدیل به بناهای مجموعه‌ای می‌شدند. در شهرهای کوچک که نیاز به بناهای مجموعه‌ای نبود و صرفا یک خانقاه کفاف مردم آن شهر کوچک را می‌داد. به دلیل از بین رفتن خانقاه‌ها نمی‌توان بررسی و دسته‌بندی دقیقی تری ارائه کرد اما مطلبی که واضح است بناهایی که امروزه شاهد آن‌ها هستیم تحت عنوان آرامگاه، رباط، کاروانسرا، مدرسه، خانقاه و... کالبدی کاملاً به هم تنیده می‌باشند که در دوره‌های مختلف پر قدرت بودن تصوف، کاربرد و نقش‌های مختلف داشته است. بعضی از رباط‌ها تبدیل به خانقاه شده‌اند و بعضی از خانقاه‌ها تبدیل به آرامگاه. بناهای مجموعه‌ای که قبلاً وجود داشتند اما در حال حاضر فقط یک خانقاه یا یک مسجد از آن باقی‌مانده است.

با بررسی منابع تاریخی صوفیه به نتیجه می‌توان رسید که شمار خانقاه‌ها و خانقاه‌سازی در قبل از قرن ۱۰ هجری می‌توان گفت پر شمارترین بناهای ایران اسلامی را تشکیل می‌دادند که بعدها توسط صفویان تخریب شدند. جریان تصوف و بناهای مربوط به آن‌ها بخشی مفقود از تاریخ معماری ایران اسلام می‌باشد که به دلیل نبود منابع و از بین رفتن بناهای آن‌ها تحقیق پیرامونش کار دشوار می‌باشد. اما جزو قدرتمندترین و پر تعدادترین کالبدی‌های ساخته شده معماری تاریخ ایران اسلامی هستند.

مراجع

۱. اشراقی، احسان، و ناصر جدیدی. ۱۳۸۵. تصوف ایرانی قرن هفتم تا دهم هجری، بستری برای تکوین نهضت صفویان. مسکویه (۲): ۳۵-۵۲.
۲. براند، هیلن. ۱۳۹۱. معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی. ترجمه باقر آیت اله زاده شیرازی. تهران: روزنه.
۳. بلر، شیلا، و جانان بلوم. ۱۳۹۱. خانقاه در دانشنامه هنر و معماری. ترجمه صالح طباطبایی. تهران: متن.
۴. خواجه عبدالله انصاری هروی. ۱۳۶۲. طبقات الصوفیه. تصحیح محمد سرور مولائی. تهران: توس
۵. دیلمی، ابوالحسن. ۱۹۵۵. عطف الألف المألوف علی اللام المعطوف. مصر، قاهره: المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقيه.
۶. قیومی بیدهندي، مهرداد و نازنین شهیدی مارنانی. ۱۳۹۲. رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران. پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ (۱۷): ۸۷-۱۰۷
۷. قیومی بیدهندي، مهرداد. ۱۳۸۹. بازنگری در رابطه میان هنر و عرفان اسلامی بر مبنای شواهد تاریخی. تاریخ و تمدن اسلامی ۶ (۱۲): ۱۷۵-۱۸۹.
۸. قیومی بیدهندي، مهرداد، و سینا سلطانی. ۱۳۹۳. الف بنای رُشتخوار: مسجد یا خانقاه؟. نامه معماری و شهرسازی (۱۳): ۵۷-۷۶.
۹. کیانی، محسن. ۱۳۸۰. تاریخ خانقاه در ایران. تهران: طهوری.
۱۰. لغت نامه دهخدا
۱۱. محمد بن منور. ۱۳۸۹. اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابو سعید. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، ۲ جلد. تهران: آگه.
۱۲. مسعودی فر، جلیل. ۱۳۸۹. نقش اجتماعی خانقاه در قرن هشتم. پژوهش‌های ادبی (۲۸): ۱۲۳-۱۴۶.
۱۳. معاریان، غلامحسین. ۱۳۹۲. معماری ایرانی. تقریر محمد کریم پیرنیا. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۱۴. دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی. ۱۳۷۸. ویراستار محمد مهدی عقابی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری